

خارپشت



خارپشت هایی در سرمای شدید گیر کرده بودند و برای بقا مجبور بودند که به یکدیگر نزدیک شوند و حتی به هم بچسبند تا بتوانند به کمک گرمای بدن یکدیگر از سرمای کشنده نجات پیدا کنند. نزدیک شدن آن ها به یکدیگر باعث شد ادامه حیاتشان در آن دوره سخت امکانپذیر شود، اما مشکل این بود که آن ها خارپشت بودند و خارهای تیز و برنده ای که بر پشت شان قرار داشت در تن دیگری فرو می رفت. آن ها توانستند از پس سرما بریبایند اما بدن هر یک جراحاتی برداشت.

این داستان ما آدم هاست .بشر اجتماعی آفریده شد و در بخش های مختلف زندگی نیازمند بودن در کنار دیگران است .بسیاری از ما از عیب و ایرادهای دیگران گله می کنیم ، بی توجه به این که رمز رشد و پیشرفت در تحمل همین عذاب هاست.اگر عیب و اشکال دیگران را تحمل کنید ، می توانید از موهبت های وجودشان بهره برید.وقتی حس می کنید خوبی های وجود کسی بیشتر از خارهایش است ، او را در کنار خود نگاه دارید.

و در پایان تا آنجا که می توانید سعی کنید در مقام یک خارپشت ، خارهای کمتری داشته باشید. اجازه دهید دیگران از گرمای وجودتان استفاده کنند نه آن خارها!!

امیدوارم این داستان از مجموعه داستان های انگیزشی وب سایت [راه مثبت](#) مورد توجه شما عزیزان قرار گرفته باشد. برای دیدن داستان های انگیزشی بیشتر بر روی لینک [داستان های انگیزشی](#) کلیک کنید.